ادامه از صفحه اول

یک تیر با دو هدف

در ماده مربوط به اشتغال زنان که چندی پیش مطرح شد، می‌توان اولویت استخدامی را به این شکل مشاهده کرد: «مردان متأهل و دارای فرزند، زنان متأهل و دارای فرزند، مردان متأهل، زنان متأهل، مردان مجرد و زنان مجرد». در این ماده نه‌تنها میان زن و مرد تبعیض ایجاد شد بلکه میان زنان نیز بر اساس تأهل و فرزندداشتن، تبعیض گذاشت. به همین روال، این سیاست‌ها و قوانین سال‌ها از طریق‌های مختلف دنبال شده است. به‌تازگی نیز مجلس و کمیسیون اجتماعی و فراکسیون زنان آن، در اقدامی عجولانه ماده‌ای را به لایحه برنامه ششم توسعه الحاق کرده‌اند که به موجب آن، زنان دارای ۲۰ سال سابقه کار بدون درنظرگرفتن شرط سنی، می‌توانند بازنشسته شوند. این ماده توسط شورای نگهبان مورد اشکال واقع شد و مجمع تشخیص مصلحت نیز نظر مشورتی برای بالابردن سن بازنشستگی ارائه کرد که اکنون بلاموضوع است. در این نوشته دنبال پاسخ به این سؤال که چرا چنین دیدی در سیستم قانون‌گذاری ما وجود دارد، نخواهم بود؛ اما ضروری می‌دانم به علت‌های شاغل‌بودن زنان در ایران نقبی بزنم تا از قِبَل آن بتوانم توضیح دهم چرا بازنشستگی‌های زودرس را آفتی برای جامعه زنان، اشتغال و مشارکت اجتماعی آنها و در کل جامعه ایران محسوب می‌کنم. می‌دانیم برای گروه‌های زیادی از زنان، شاغل‌بودن و کسب درآمد ضرورت دارد؛ یعنی حتما باید کار کنند و پولی به خانه بیاورند (هرچند معمولا این پول به عنوان تنها منبع درآمد در نظر گرفته نمی‌شود و بیشتر شکل کمک‌خرجی به خود می‌گیرد؛ اما همین کمک‌خرجی، برای بقای زندگی کمک‌کننده است). در کنار این گروه، گروه دیگری از زنان هم هستند که با تحصیلات بالاتر شاغل می‌شوند که آنها دیگر فقط به خاطر پول و درآمد و کمک‌خرجی‌بودن وارد بازار کار نمی‌شوند، بلکه بیشتر به دلیل استفاده از تحصیلاتشان، بودن در جامعه و حس مفیدبودن است که شاغل می‌شوند؛ بنابراین علل اشتغال به کار زنان با هم فرق می‌کند و اصولا قبل از تصویب قانونی درباره بازنشستگی زنان، باید چندین و چند تحقیق انجام می‌گرفت تا برای نمایندگان محترم مشخص می‌شد اصولا زنان چرا کار می‌کنند، اینجا البته اضافه کنم ما هیچ‌وقت درباره اشتغال مردان نه قانون بازنشستگی زودهنگام تصویب می‌کنیم و نه تحقیقی در زمینه اینکه چرا مردان کار می‌کنند، انجام می‌دهیم. چون کارکردن مردان را امر بدیهی و طبیعی در نظر می‌گیریم؛ درحالی‌که متأسفانه مناقشه‌های زیادی درباره کار بانوان و کم‌وکیف آن وجود دارد. درهرحال، تحقیقات ما نشان می‌دهد که ورود زنان به بازار کار حتی اگر فقط به دلیل مسائل اقتصادی باشد، تأثیرات عمده‌ای را بر حیات اجتماعی و روانی آنان برجای می‌گذارد. زنی که ۲۰ سال کار کرده و احیانا یک یا دو فرزند داشته باشد، دوران بسیار سختی را از نظر کارکردن همراه با وظیفه مراقبت از فرزندان از سر گذرانده است. حتما به خاطر اینکه وظایف نگهداری از فرزندان در جامعه ما به دوش مادران است، او در مدت کارکردن از بسیاری از پیشرفت‌های شغلی بازمانده و زیر بار مسئولیت‌های بیشتر و بهتری نرفته است. تصور کنید بعد از ۲۰ سال کارکردن با این مشقت‌ها، درست زمانی که فرزندان این زن بزرگ شده و توانایی اداره امور خودشان را کسب کرده‌اند، قانون به این زن اختیار می‌دهد خود را بازنشسته کند. طبیعتا با فرهنگ غالب بر فضای کسب‌وکار و نگاهی که به کارکردن بین ما ایرانی‌ها وجود دارد و نیز شرایط بسیار بد محیط‌های کاری، زنان از چنین طرح‌هایی استقبال می‌کنند و در جوانی با سنی حدود ۴۰ تا ۴۵ سال، خانه‌نشین می‌شوند. در این دوران درخانه‌ماندن زنان مشکلات روانی خاصی را ازجمله افسردگی به همراه می‌آورد. کسی که با سابقه ۲۰ سال کار به کارکردن و دراجتماع‌بودن عادت کرده بود، در خانه‌ای سوت‌وکور گرفتار می‌شود. همسرش هنوز شاغل است ولی او مستمری‌اش را می‌گیرد و سراشیبی پیر و افسرده‌شدن را به سرعت طی می‌کند. صدمه اصلی که این زنان متحمل آن می‌شوند، این است که این زنان شاغل خیلی زود زمانی که وقت آزاد بیشتری نسبت به قبل دارند و درگیر فرزندان نیستند و به لحاظ تجربه و مهارت به درجه بالایی رسیده‌اند، از فضای کار خارج می‌شوند و به این وضع و روز می‌افتند.

۲۰ سال کار شوخی نیست؛ کسی که دو دهه کار کرده باشد از هر لحاظ امکان رشد و پیشرفت حتی رسیدن به درجه ریاست برای وی متصور است؛ درحالی‌که با به‌اجرادرآمدن قانون بازنشستگی زودرس، بانوان با مهارت، کارکشته و متخصص از محیط کار به نوعی حذف می‌شوند. از سوی دیگر، کارفرمایان از انتخاب خیل دختران بی‌کار برای استخدام خودداری می‌کنند و نرخ بی‌کاری دختران روزبه‌روز بیشتر می‌شود؛ چراکه هر کارفرما در چندین سال اول اشتغال نیروی کار، برای بهره‌برداری از این نیرو در آینده انرژی زیادی روی تربیت او می‌گذارد؛ بنابراین ترجیح می‌دهد نیرویی را به خدمت بگیرد که بتواند سال‌های زیادی روی او حساب کند. اگر بداند زمانی که نیروی کارآزموده او که سال‌ها رویش سرمایه‌گذاری کرده تا از او بتواند در پست‌های خاص کارشناسی و مدیریتی استفاده کند، به یکباره از میدان خارج می‌شود آن‌هم به صورت قانونی، هرگز زیر بار استخدام چنین نیرویی نخواهد رفت. خوشبختانه این ماده حذف شد زیرا اگرچه نتایج اجتماعی این قانون برای این دو گروه از زنان با هم متفاوت است ولی برای هر دو گروه قطعا منفی بود.

رئیس دولت قبل گفت اما همه چیز را نگفت

بازی انتخاباتی احمدی‌نژاد با اعداد

شرق: به خیال خود دست پر آمده و می‌خواهد همچنان بر موضع سکوت خود بماند. (سؤال این است کدام سکوت؟)؛ آن هم درست کمتر از سه ماه قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری. محمود احمدی‌نژاد، رئیس دو دولت نهم و دهم، اکنون مستقیما برای تقابل با حسن روحانی، رئیس دولت وقت آمده. این‌بار هم «بگم‌بگم» راه انداخته؛ باز هم با همان شگرد قدیمی و باز هم با بیان بخشی از واقعیت برای فریب عمومی. با تمرکز بر ارقام خزانه‌ای که می‌گوید خالی نبوده و رئیس دولت کنونی از همان اول، به کذب، آن را خالی اعلام کرده است. ارقامی ارائه می‌دهد. درست است، اما همه واقعیت نیست. از هزارو ۶۰۰ میلیارد تومان در کف خزانه می‌گوید که تنها حدود یک درصد بودجه ۱۶۰ هزار میلیاردتومانی سال ۹۲ بود. درواقع قرار بود با ۱۰ هزار تومان کف جیبش، خرج یک میلیون‌تومانی بدهد. در این بیانیه خبری از تعهدات نیست. خبری از بار مالی بدهی‌های انباشته‌شده بر دوش دولت وقت نیست. فقط به ته‌مانده جیب دولت اکتفا شده که آن هم جواب‌گوی همان خرج به گمان او، کمتر از دولت کنونی نبود. بازی انتخاباتی احمدی‌نژاد با اعداد، روتوش‌شده همان بازی انتخاباتی «بگم‌بگم» اوست که حالا در بسته‌بندی جدید ارائه شده است. در این بیانیه با نام «بیانیه دکتر احمدی‌نژاد در پاسخ به یک اتهام بی‌اساس رئیس قوه مجریه» خطاب به «ملت بزرگوار ایران» آمده: «... شما به‌خوبی از شرایط و روندی که بر کشور و انقلاب می‌گذرد و همچنین از دلایل سکوت این خادم خود در قبال مسائل جاری اطلاع دارید. متأسفانه همگان شاهد بوده‌اند که ارائه اطلاعات و ادعاهای کذب و ایراد تهمت‌های ناروا به یک روال در بالاترین سطوح مدیریت کشور تبدیل شده و همواره از آن به‌عنوان بهانه‌ای برای توجیه تصمیمات نادرست و پوشاندن ضعف‌ها، بی‌تدبیری‌ها و ناکارآمدی‌ها و بعضا آسیب‌رساندن به منافع ملی استفاده شده است. این‌جانب در نیمه دوم سال ۱۳۹۲ در نامه‌ای سرگشاده، خواستار انجام مناظره‌ای تلویزیونی و شفاف شدم تا از رهگذر آن، مسائل به طور مستند برای مردم بیان شود؛ اما تکرار اتهامات، تنها پاسخی بود که به افکار عمومی داده شد. شرایط پیش‌رو، این‌جانب را بر آن داشته است تا ضمن حفظ موضع سکوت در مسائل جاری کشور، درباره برخی موضوعات، توضیحاتی را به استحضار ملت شریف برسانم. این کار را با پاسخ به چند ادعای رئیس محترم قوه مجریه که در آستانه مذاکرات هسته‌ای با بیگانگان، به‌صراحت و از تریبون عمومی مطرح شد، آغاز می‌کنم و به‌مرور به دیگر ادعاها نیز خواهم پرداخت.

صرف‌نظر از اینکه هنوز بعضی‌ها از کلمه خزانه، یک تعریف و تصویر دوران قاجار را در ذهن دارند که مثلا یک انبار و یک انباردار از خراج‌ها مراقبت و با دستور شاه آن را توزیع می‌کنند، نکات زیر قابل ذکر است:

۱. خزانه عبارت از چند حساب دولت نزد بانک مرکزی است. درآمد دولت، در طول سال و به صورت روزانه به این حساب‌ها وارد و خزانه‌دار کل، آن را براساس قانون بودجه، روزانه به دستگاه‌ها اختصاص می‌دهد؛ بنابراین تصور انباشت منابع در این حساب‌ها نادرست است.

۲. بااین‌وجود، در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۹۲ یعنی زمان آغاز به کار دولت فعلی، بیش از یک‌هزارو ۶۰۰ میلیارد تومان در حساب‌های جاری خزانه و معادل همین مقدار در سایر حساب‌ها و حساب فروش شرکت‌ها وجود داشته است که در گذشته، کمتر زمانی این مقدار، در حساب‌ها پول وجود داشته است.

۳. کل پرداختی خزانه در سال ۱۳۹۱ یعنی سال آخر دولت قبل، با همه فرازونشیب‌های مهم، حدود ۱۰۴هزارو ۵۰۰ (یکصدوچهارهزارو پانصد) میلیارد تومان بوده است. در این سال پروژه‌های عمرانی و دیگر خدمات دولت کاملا فعال بوده و حقوق و مطالبات کارمندان، طبق روال معمول پرداخت شده است. در این سال استقراضی انجام نشده و تنخواه خزانه نیز مسترد شده است.

۴- در سال ۱۳۹۲ یعنی اولین سال دولت فعلی مجموعا ۱۴۷هزارو ۵۰۰ (یکصدوچهل‌وهفت‌هزارو پانصد) میلیارد تومان درآمد کسب شده و توسط خزانه به دستگاه‌ها برای هزینه اختصاص یافته است که این رقم نسبت به سال ۱۳۹۱ بیش از ۴۰ درصد رشد داشته است، این رشد در دهه‌های اخیر، کم‌نظیر بوده است.

در سال ۱۳۹۲ به بهانه کمبود درآمد بسیاری از پروژه‌ها، تعطیل شد و شاه‌بیت کلام مدیران دولتی کمبود منابع و درآمد بوده است.

۵- روند افزایش درآمد و هزینه‌های جاری دولت کمابیش در سال‌های ۹۳ و ۹۴ نیز ادامه یافته و به ترتیب هزارو ۷۸۸ هزار میلیارد تومان و ۲۰۴ هزار میلیارد تومان درآمد کسب گردید که متقابلا هزینه شده است.

۶- علت اصلی این تفاوت درآمد را باید در واگذاری‌های اصل ۴۴ و اجرای مالیات ارزش افزوده در دولت قبل و تفاوت قیمت ارز در محاسبات بانک مرکزی در دولت فعلی دانست.

۷- علاوه‌براین، صندوق توسعه ملی با ۵۵ میلیارد دلار سرمایه و ۳۲ میلیارد دلار موجودی و بانک مرکزی با حدود ۱۰۸ میلیارد دلار ذخایر ارزی و حدود ۲۲ میلیارد دلار طلب از محل فروش نفت، تحویل دولت فعلی شده است.

به‌این‌ترتیب روشن است که برخلاف ادعای کذب مطرح‌شده، درآمد دولت کاملا مناسب و دست دولت در اداره کشور و هزینه‌کردن برای امور عمومی باز بوده است. نمی‌خواهم درباره انگیزه طرح این ادعای غلط، قضاوتی داشته باشم؛ اما باید روشن شود که مقصود اصلی از طرح چنین ادعای کذبی در آستانه مذاکره با بیگانگان چه بوده است. باید روشن شود که این ادعا چه میزان به منافع ملی آسیب زده است. باید معلوم شود که این درآمدهای کلان در کجا و چگونه هزینه شده است».

بازی انتخاباتی با اعداد

هادی حق‌شناس، اقتصاددان و نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «آنچه از آمارهای رئیس‌جمهور سابق می‌توان استنتاج کرد، درست است که هزینه‌های جاری این دولت به علت گذشت زمان افزایش یافته و درست است که این دولت با کمبود منابع مواجه بوده اما با تدبیری که دولت کنونی به کار گرفت، با وجود محدودیت‌ها، شاخص‌های کلان اقتصاد بهبود پیدا کرده است».او تأکید می‌کند: «زمانی که دولت دهم رفت، با بدهی انبوه رفت. درست است در خزانه هزارو ۶۰۰ میلیارد تومان در حساب جاری بود، اما سؤال این است که دولت چقدر به تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی، پیمانکاران، بانک‌ها و بانک مرکزی بدهکار بود؟» حق‌شناس با تأکید بر اینکه اعداد درست است اما بخشی از حقیقت گفته شده، تصریح می‌کند: «اگر فرض کنیم اعداد درست باشد که هست، پس چرا مجموع تورم، بی‌کاری، نرخ تسهیلات بانکی در سال‌های ۹۱ و ۹۲، بالای ۶۰ درصد بود و مطلوب نبود؟». او با بیان اینکه «در این بیانیه بخش دوم که تعهدات دولت بود بیان نشده و نوعی بازی انتخاباتی است»، ادامه می‌دهد: «به عنوان نمونه، احمدی‌نژاد خط اعتباری ۵۰هزارمیلیاردتومانی برای مسکن مهر ایجاد کرد، اما از دو میلیون مسکن مهر، یک میلیون را تحویل داد و یک میلیون دیگر را این دولت تحویل داد. علاوه بر آنکه زیرساخت‌هایی مانند برق، آب، گاز، جاده و مدرسه و... را هم تحویل نداد و این دولت متعهد به تحویل آن شد. مسکن مهر در واقع شعارش برای آن دولت بود، هزینه زیرساخت و اتمام ۵۰ درصد آن برای این دولت بوده و آثار تورمی آن هم برای این دولت بود».این اقتصاددان در پاسخ به اینکه چرا در این بیانیه مطرح شده خزانه پر بوده درحالی‌که در اوان دولت یازدهم اعلام شد خزانه خالی بود، می‌گوید: «پولی که در خزانه بوده هزارو ۶۰۰ میلیارد تومان بوده. بودجه کل کشور در سال ۹۲، نزدیک به ۱۶۰ هزار میلیارد تومان بوده، در خزانه رقم هزارو ۶۰۰ میلیارد تومان بوده که یک درصد آن است، این یعنی خزانه پر است؟».او با تأکید بر اینکه اینها بازی با اعداد است، می‌گوید: «برای تحلیل شرایط اقتصادی در سال ۹۲ در مقایسه با سال ۹۵، چند نکته بسیار مهم است. سال ۹۱ اقتصاد ایران رشد اقتصادی منفی ۶.۸ درصد را تجربه کرد و در سال ۹۲ باز هم رشد اقتصادی منفی شد و نکته مهم‌تر اینکه هم سال ۹۱ و هم سال ۹۲، شاهد تورم بیش از ۳۵ درصد بودیم. اقتصاد ایران در سال ۹۲ با توجه دو شاخص مهم که عبارت بود از تورم بالای ۳۵ درصد و رشد اقتصادی منفی تحویل دولت بعدی شد. احیای اقتصاد ایران یعنی رسیدن به رشد اقتصادی مثبت و کاهش نرخ تورم که نیاز به سرمایه‌گذاری و تزریق منابع داشت. طبیعتا اگر منابع برای سرمایه‌گذاری تجهیز نمی‌شد، به این مفهوم بود که همچنان باید تورم سیر صعودی داشته باشد و نرخ رشد اقتصادی منفی باشد». او ادامه می‌دهد: «اقدام بزرگی که در نیمه دوم سال ۹۲ انجام گرفت، آن بود که دولت یازدهم، بودجه انبساطی دولت دهم را با ارائه لایحه‌ای، تنظیم و منضبط و سقف بودجه جاری را کم کرد. از اینکه بگذریم، اقتصاد در رکود کامل را دولت یازدهم با تدبیر از رکود خارج کرد و در سال ۹۳، شاهد رشد اقتصادی سه درصد بودیم. رشد اقتصادی سه درصد، یعنی یک اقتصاد متوقف‌شده، مجددا به مسیر و به ریل برگردانده شد».حق‌شناس با بیان منشأ افزایش هزینه‌های دولت یازدهم می‌گوید: «نکته کلیدی آن بود که دولت قبلی بیش از ۵۰۰ هزار نیرویی که در قالب شرکت‌ها مشغول به کار بودند، تبدیل به نیروهای کارمند دولت کرد که این تعداد نیرو، مبنایی برای افزایش هزینه‌های جاری کشور شد. اگر هزینه‌های جاری پس از سه سال (۹۱ به ۹۵)، از ۱۱۴ به ۲۰۴ هزار تومان رسید، هم به دلیل اعمال نرخ تورم در حقوق کارکنان بوده (تورم تجمیعی در زمان مذکور، بیش از ۵۰ درصد بود) و هم افزایش کارکنان دولت».

او ادامه می‌دهد: «اما وقتی قیمت نفت که در دوره طلایی سال ۹۰ بیش از ۱۲۰ دلار در هر بشکه بود، در سال ۹۴ به زیر ۴۰ دلار و در سال ۹۵ به حدود ۵۰ دلار می‌رسد، طبیعی است که منشأ درآمدهای ارزی کاهشی شود و به یک‌سوم درآمدها در سال ۹۰ برسد و همین امر منجر به کاهش درآمد دولت شود. نکته مهم آن است که با وجود آنکه در سال ۹۴ و ۹۵، درآمدهای ارزی به یک‌سوم کاهش پیدا کرد، اقتصاد ایران در سال ۹۵، با رشد اقتصادی شش‌درصدی مواجه بود؛ درحالی‌که در سال ۹۰ که درآمد نفتی ۱۲۰ میلیارد دلار بود، رشد اقتصادی سه درصد بود».حق‌شناس در انتها این‌گونه نتیجه می‌گیرد: «در بررسی متغیرهای کلان اقتصادی مثل نرخ تورم، نرخ بی‌کاری و نرخ بهره بانک‌ها، به‌راحتی می‌توان نتیجه گرفت که شاخص فلاکت که در سال ۹۲ (مجموع نرخ بی‌کاری، نرخ تورم و نرخ سود بانکی) بالای ۶۰ درصد بود، در سال ۹۵، با وجود کاهش درآمدهای دولت، به زیر ۳۰ درصد رسید و شاخص فلاکت با وجود محدودیت منابع ارزی این دولت، ۵۰ درصد کاهش پیدا کرد».

واکنش علی ربیعی به بیانیه اخیر احمدی‌نژاد

نگاه شما قجری است، نگاه روحانی عقلانی است

شرق: تنها چند ساعت بعد از آنکه بیانیه احمدی‌نژاد روی سایت اطلاع‌رسانی‌اش قرار گرفت، علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به این بیانیه واکنش نشان داد. به گزارش ایلنا، او که در جشنواره نیکو کارآفرین سخنرانی می‌کرد، گفت: امروز اطلاعیه‌ای خواندم که رئیس‌جمهور سابق داده بودند. وقتی می‌گوییم مقدار زیادی پول رفت و شغلی ایجاد نشد، با توجه به تحقیقات بوده است. اگر کشور هنوز دست شما بود، اکنون وضعیت ما بسیار ناگوار بود. ربیعی متذکر شد: شما در عملکردتان به کشور قجری نگاه می‌کنید، نه مثل دولت روحانی که همه کارهای آن عقلانی است. همین کسانی که امروز از آنها تقدیر شد، صد هزار شاغل به جامعه افزوده‌اند، همین موضوع نشان می‌دهد در کشور شغل اضافه شده است. وزیر سخنانش را این‌گونه ادامه داد: دوران شما قدرت خرید مردم نابود شد. اگر ما با همان شیب ادامه می‌دادیم، وضعیت بحرانی‌تر می‌شد. چه کسانی بدون عقبه مالی حقوق‌های بازنشستگان را افزایش دادند؟ ربیعی تأکید کرد: تا امروز نیازی به صحبت‌های سیاسی ندیدم، ولی اکنون می‌بینیم رفته‌رفته با توجه به نزدیک‌شدن به انتخابات حرف‌هایی می‌زنند و تکرار می‌کنند. وزیر کار در پایان خاطرنشان کرد: من تاکنون حرفی نزدم و موضع سیاسی نگرفتم، ولی احساس می‌کنم که نمی‌دانند ما در چه وضعیتی دولت را تحویل گرفتیم. شما حرف نزدید، ولی سایت‌های شما که حرف زدند.

نوبخت در صحن علنی مجلس از آخرین جزئیات یارانه‌بگیران خبر داد

حذف ۵ میلیون نفر با حقوق ۳ میلیون

شرق: صحن علنی مجلس دیروز صحنه یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های مردمی در چارچوب بودجه سنواتی سال ۱۳۹۶ بود. براساس‌این تصویب عدد ۳۷هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان برای پرداخت یارانه‌های نقدی در سال آینده، با همان رقم ماهانه پیشین یعنی تأمین هزینه یارانه حدود ۶۸ میلیون نفر تضمین شده است. درآمد سال گذشته از محل هدفمندی یارانه‌ها ۴۸ هزار میلیارد تومان بوده است؛ اما در جریان بررسی لایحه بودجه ۱۳۹۶ در صحن علنی مجلس، نمایندگان جزئیات دخل و خرج هدفمندی در سال بعد را به تصویب رساندند. در مهم‌ترین مورد منابع حدود ۳۷هزارو ۵۰۰ میلیاردی برای پرداخت‌های نقدی در نظر گرفته شده است؛ یعنی اگر قرار باشد دولت براساس منابع پیش‌بینی‌شده به یارانه‌بگیران ۴۵هزارو ۵۰۰ تومان پرداخت کند، این رقم مصوب حدود ۶۸ میلیون نفر را برای توزیع نقدی در سال ۱۳۹۶ تأمین مالی خواهد کرد. این در حالی است که براساس آنچه مدتی پیش رئیس سازمان برنامه و بودجه اعلام کرده بود، نزدیک به ۷۷ میلیون یارانه ۴۵هزارو ۵۰۰تومانی در هر ماه پرداخت می‌شود؛ بااین‌حال آخرین توضیحات نوبخت حاکی از آن است که تا اول بهمن‌ماه نزدیک به چهارمیلیون‌و ۸۵۴ هزار نفر از دریافت یارانه محروم شده‌اند. اینها افرادی هستند که ناخالص دریافتی آنها در ماه بیش از سه میلیون تومان بوده است.نکته اینجاست که اگر قرار باشد دولت در توزیع نقدی بر مبنای بودجه ۳۷ هزار میلیاردتومانی عمل کند، باید از ۷۷ میلیون نفر ایرانی، بیش از ۹ میلیون نفر را حذف کند تا سال بعد منابع پرداختی با کسری مواجه نشود. موضوع درخورتوجه این است که معمولا روند حذف یارانه‌بگیران با توجه به نبود اطلاعات کافی و شرایط شناسایی افراد پردرآمد به‌سختی پیش رفته و پرداخت یارانه به تنها ۶۸ میلیون نفر از ابتدای سال آینده با ابهام روبه‌رو است.در جلسه دیروز همچنین نمایندگان مجلس دولت را موظف به اختصاص یارانه متقاضیان به امور خیرخواهانه کردند. آنها به بند الحاقی تبصره ۱۴ لایحه بودجه ۱۳۹۶ رأی مثبت دادند. نمایندگان با تصویب این بند دولت را موظف کردند که اگر گروه‌های ۵۰۰نفری مردمی با رضایت نسبت به اهدای یارانه ماهانه خود به امور فوق در شهر یا روستای مشخص مبادرت کنند، نسبت به واریز ماهانه مبلغ یارانه پرداختی به آنها به امور و منطقه مربوطه اقدام کنند. آیین‌نامه اجرائی این بند در سه ماه با پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. همچنین سازمان هدفمندی یارانه‌ها موظف است هم‌زمان با تصویب آیین‌نامه نسبت به تهیه سامانه مناسب برای اعلام رضایت متقاضیان برای اهدای یارانه خود به موضوعات مذکور اقدام کنند.

در این تبصره به دولت اجازه داده شد سال آینده از محل درآمدهای حاصل از اصلاح قیمت کالاها و خدمات موضوع قانون مذکور تا مبلغ ۴۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال (۴۸۰ هزار میلیارد ریال) و ردیف‌های یارانه‌ای این قانون اقدام کند. براساس مصوبه مجلس مبلغ ۳۷۵ هزار میلیارد ریال به پرداخت یارانه نقدی و غیرنقدی خانوارها شامل ماده ۹۴ قانون برنامه ششم توسعه موضوع افزایش حداقل مستمری خانوارهای مددجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی متناسب با سطح محرومیت بر مبنای متوسط ۲۰ درصد حداقل دستمزد مصوب شورای‌عالی کار اختصاص می‌یابد که از این مبلغ ۴۰ هزار میلیارد ریال سهم کمیته امداد و سازمان بهزیستی خواهد بود.

پرداخت یارانه به همه دهک‌ها نادرست است

در جریان بررسی بخش هزینه‌ای لایحه بودجه سال آینده نماینده خمینی‌شهر با بیان اینکه رویه کنونی در پرداخت یارانه به تمام دهک‌ها نادرست است، گفت: دولت نهم هم با رویه کنونی مخالف بود. محمدجواد ابطحی با بیان اینکه در زمان تصویب لایحه مذکور در مجلس هشتم دولت نامه‌ای به مجلس داد تا لایحه را برای اصلاح و بررسی بیشتر در حوزه پرداخت یارانه به دهک‌ها به دولت بازگرداند، ادامه داد: مسئله پرداخت یارانه به ۱۰ دهک در قانون هدفمندی مربوط به دولت قبل نمی‌شود. نمایندگانی مانند مصباحی‌مقدم و فولادگر این پیشنهاد را مطرح کردند و پس از طرح این موضوعات دولت قبل می‌خواست لایحه را پس بگیرد.

دولت نهم معتقد به پرداخت یارانه به تمام اقشار کشور بود

علی لاریجانی، رئیس مجلس، هم در پاسخ به اظهارات این نماینده مجلس گفت: آقای احمدی‌نژاد معتقد بود یارانه باید به کل جمعیت ایران پرداخت شود و این موضوع مطرح‌شده از سوی جناب‌عالی خلاف واقع است. او با اعلام اینکه ساعت‌ها خارج از پارلمان، درباره قانون هدفمندی پیش از اینکه به مجلس برسد، بحث کارشناسی شد، گفت: دولت پیش به جد معتقد بود یارانه باید به تمام مردم داده شود. رئیس مجلس با بیان اینکه در مجلس هم نسبت به پرداخت یارانه‌ها به همه جمعیت ایران مخالفت‌هایی وجود داشت، افزود: این مسئله موجب شد یکی از اعضای هیئت‌رئیسه پیشنهاد دهد که در لایحه یادشده تأکید شود یارانه با اولویت به طبقات پرداخت شود.

شبهات نادرست است

رئیس سازمان برنامه و بودجه با بیان اینکه سهم سازمان هدفمندی از درآمدهای این حوزه ۳۶هزارو ۴۰۰ میلیارد تومان است، گفت: شبهات مطروحه درباره درآمدها و نحوه هزینه‌کرد هدفمندی، نادرست است. محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت، گفت: دکتر لاریجانی، رئیس مجلس، به‌درستی درباره القانشدن شبهه و ایجاد تشویش در اذهان عمومی سخن گفتند. حال دولت هم پیرو مباحث هفته گذشته در رابطه با منابع و درآمدهای هدفمندی، مستنداتی را ارائه و تهیه کرده که این مستندات را در اختیار هیئت‌رئیسه مجلس قرار می‌دهد. براساس گزارش دیوان محاسبات، سهم این سازمان ۳۶هزارو ۴۰۰ میلیارد تومان است و اعدادی مانند ۷۶هزار میلیارد تومان و ۸۰هزار میلیارد تومان ارتباطی با سهم سازمان هدفمندی از محل درآمدهای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها ندارد. نوبخت تصریح کرد: یکی دیگر از موضوعاتی که به‌تازگی مطرح شد، این بود که همه درآمدهای حاصل از قانون هدفمندی، به خزانه واریز نمی‌شود و به‌جز اعتبار ۳۶هزارو ۴۰۰میلیاردتومانی سهم سازمان هدفمندی یارانه‌ها، بقیه ارقام به خزانه نمی‌رود؛ حال براساس گزارش رسمی خزانه تمام ارقام و اعداد و درآمدهای هدفمندی به خزانه واریز می‌شود. یکی دیگر از شبهات مطروحه این بود که نحوه درآمدها و هزینه‌کرد منابع هدفمندی در بودجه‌های سالانه دیده نشده و تنها اعتبار ۳۶هزارمیلیاردی در قانون بودجه ذکر شده است؛ این در حالی است که مجموع کل بودجه کشور نشان می‌دهد همه اعداد و ارقام اعم از میزان فروش فراورده‌های نفتی،گاز و آب‌وبرق در بودجه سال ۱۳۹۵ منعکس شده و نمایندگان آن را تصویب کرده‌اند؛ البته این بودجه، بودجه عمومی نیست و بودجه کل کشور بوده که شامل شرکت‌ها هم است.

حذف حدود ۵ میلیون نفر

در جریان رسیدگی مجلس به بند الحاقی تبصره ۱۴ که مربوط به هزینه‌کرد منابع درآمدی یارانه‌ها بود، رئیس سازمان برنامه و بودجه گفت: تا تاریخ اول بهمن یارانه چهارمیلیون‌و ۸۵۳هزارو ۳۸۶ نفر براساس قانون مجلس حذف شد. محمدباقر نوبخت که در مخالفت با پیشنهاد تعدادی از نمایندگان مبنی بر حذف چهار دهک از دریافت یارانه نقدی سخن می‌گفت، اظهار کرد: در راستای اجرای احکام قانونی مبنی بر حذف یارانه، خانواده‌های پردرآمد تا تاریخ اول بهمن، یارانه چهارمیلیون‌و ۸۵۳هزار و ۳۸۶ نفر حذف شد. براساس این قانون اگر فردی در تهران مستأجر باشد، بیمار باشد و فرزند دانشجو داشته باشد، با حقوق سه میلیون ثروتمند محسوب شده و باید یارانه‌اش حذف شود. رئیس سازمان برنامه و بودجه تصریح کرد: حذف یارانه این افراد عادلانه نبود و پس از حذف این افراد، نامه‌های زیادی از سوی شما نمایندگان به سازمان برنامه و بودجه رسید. او خطاب به نمایندگان گفت: شما یارانه بازنشستگان و فرهنگیان را حذف کردید به اعتبار اینکه کل درآمد ناخالص خانواده سه میلیون تومان است. پس از مدتی سازمان برنامه و بودجه مجبور شد دوباره یارانه برخی را وصل کند. سازمان هدفمندی و وزارت کار از حذف یارانه افراد پردرآمد استقبال می‌کند؛ اما این امر موجب ناراضی‌کردن مردم خواهد شد. حذف یارانه‌ها از سوی مجلس موجب می‌شود همه مشکلات به حساب مجلس گذاشته شده و مردم ناراضی شوند.

خبر

جهانگیری:

ایران در گروه کشورهای با تورم تک‌رقمی خواهد ماند

● **ایرنا:** معاون‌اول رئیس‌جمهوری با اشاره به تداوم کاهش نرخ تورم در سه سال گذشته، گفت: با برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده و عمل به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ایران در جرگه کشورهای با تورم تک‌رقمی خواهد ماند.

اسحاق جهانگیری، روز شنبه در آیین بهره‌برداری از فاز دوم کارخانه سیمان مارگون بویراحمد در استان کهگیلویه‌وبویراحمد اظهار کرد: در سال ۹۴ و ۹۵ با وجود کاهش بهای جهانی نفت، ایران به رشد خود در زمینه اقتصاد ادامه داد و شاخص‌های مختلف اقتصادی گویای این مهم است.

وی گفت: ایران تنها کشوری بود که توانست در سال‌های ۹۴ و ۹۵ روند باثبات و اقتصاد رو به پیشرفت خود را ادامه دهد.

وی ادامه داد: رشد اقتصادی ۹ماهه ایران به ۷.۲ درصد رسید که این رقم در منطقه و جهان، از جمله بالاترین رشدهاست.

وی اظهار کرد: رشد اقتصادی پاییز ۹۵ نسبت به پاییز ۹۴ به ۸.۹ درصد رسیده بود که نتیجه درخشانی از عملکردهای دولت در زمینه اقتصاد مقاومتی است.

معاون‌اول رئیس‌جمهوری گفت: رشد اقتصادی در بخش کشاورزی به ۵.۷ درصد، در صنعت به ۱۰.۵ درصد و در خدمات به ۵.۴ درصد و نرخ رشد اقتصادی بدون نفت نیز به پنج درصد رسید.

وی افزود: تاکنون ۲۲ هزار واحد صنعتی موفق به دریافت تسهیلات رونق و خروج از رکود شده‌اند.

بورس

فشار عرضه در روزهای پایانی سال

علی نیکوگفتار
تحلیلگر بازارهای مالی

● بورس تهران این هفته شروع خوبی را تجربه نکرد و اکثر نمادها و گروه‌ها در دامنه منفی معامله شدند. کمبود نقدینگی موجود در بازار به دردی مزمن تبدیل شده است. بهانه‌ای مانند تسویه اعتباری کارگزاری‌ها در پایان سال نیز کافی است تا سیلی از عرضه‌ها را از طرف سهام‌داران حقوقی و حقیقی به راه بیندازد.

این شرایط احتمالا از اواسط هفته جاری با پایان مهلت برخی کارگزاری‌ها بهبود خواهد یافت. شنبه نیمی از سرمایه‌گذاری ملی در قالب بلوک ۴۹.۸درصدی و به قیمت چهارهزارو ۲۵۳ ریال معامله شد.

فروش این سرمایه‌گذاری مهم از طریق بانک تجارت اقدامی بود در راستای تلاش بانک‌ها برای پوشش زیان که این روزها با آگهی‌شدن دارایی‌های آنها ادامه دارد. گفته می‌شود خریدار این بلوک مدیریتی مهم که در شرکت‌هایی مانند ایران‌خودرو و سایپا نقش مهمی دارد، شرکت توسعه معادن جنوب بوده است. پس از این جابه‌جایی مدیریتی، عسگری‌مارانی، مدیرعامل و نیکی هم از کناره‌گیری خود در مجمع سالانه شرکت خبر داده است.

دیروز همچنین نماد خگستر در پی اعلام فروش ۷۰ درصد فنرسازی خاور برای تغییر در پیش‌بینی درآمد خود متوقف شد. ۱۶ درصد خگستر نیز در روزهای آتی از طرف ایران‌خودرو روی میز فروش گذاشته خواهد شد. حق تقدم‌های پارس‌خودرو یک ریال معامله شد و سرمایه‌گذاری رنا در مجمعی پرحاشیه ۱۰ تومان س